

## اول می 2013 میلادی: مائوئیسم بهار زمانه ی ما است!

در این مناسبت اول می 2013 میلادی، ما از افغانستان، بلجیم و فرانسه، سرشار از خوشبینی انقلابی به پرولتاریا و توده های ستمدیده ی جهان درود میفرستیم و آنان را فرا میخوانیم که زیر درفش سرخ مائوئیسم متحد شوند!

ما آنان را فرامیخوانیم که دو سوی حقیقت جهان را بفهمند. شب تاریک است، انگار به نظر میرسد که تاریکی همه جنبه های حقیقت را در غلاف خویش کشیده است، اما حقیقت آن است که سپیده نوید رخشش آفتاب سرخ را اعلام میدارد.

آری! این است ندای زمان: طوفانی نو فرا میرسد، موج جدید انقلاب جهانی پرولتاریایی نضج میگیرد! مائوئیسم بهار زمانه ی ما است!

از همین رو است که ما از افغانستان، بلجیم و فرانسه اعلام میداریم که:

### مائوئیسم را بگیرید، از آن دفاع کنید و آنرا بکار بندید!

#### برای ایجاد و بکار بستن اندیشه ی راهنما در هر کشور، جهت آغاز و پیشبرد جنگ خلق مبارزه کنید!

هر آینه جنگ خلق در همه کشورها، از آتش دل توده ها، تحت هدایت حزب کمونیست بر مبنای مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم مسلح با اندیشه ی راهنما، فروزان و برپا خواهد گشت.

هر آینه توده های جهان زیر درخشش ستاره ی سرخ متحد خواهند گردید، و با تشکیل جمهوری جهانی سوسیالیستی، بسوی کمونیسم طلایی رهسپار خواهند گردید.

درک ما این است که انقلاب جهانی پرولتاریایی در مرحله ی تعرض استراتژیک قرار دارد، انقلاب گرایش عمده است، الترناتیف انقلابی هر روز، به گونه ی اجتناب ناپذیر پدیدار گردیده، در انتظار توده ها می درخشد.

از همین رو است که آنان یعنی توده ها خواستار دستیابی به یک سلاح تاریخی اند!

بنابر آن، به مثابه ی یک رهیافت، سندی، پروژه یی در خصوص اصل اندیشه ی راهنما توسط {رفقای} افغانستان، بنگلادیش و فرانسه تکوین پذیرفته است. این اندیشه ی راهنما است که عنصر کلیدی ماتریالیزم دیالکتیک در همه کشورها است.

اندیشه ی رهنما چیست؟ "همه انقلابات اندیشه راهنمای خود، یعنی محصول کاربرد حقیقت جهانشمول ایدئولوژی پرولتاریای بین المللی در شرایط مشخص هر انقلاب را بوجود می آورند، یک اندیشه راهنما که برای نیل به پیروزی و کسب قدرت و مضافا ادامه انقلاب و پیشروی مداوم بسوی تنها هدف واقعا کبیر یعنی کمونیسم ناگزیر است."

حزب کمونیست پیرو، در باره ی اندیشه ی گونزالو

بدون اندیشه ی رهنما، برای دریافت حل تضاد های یک کشور راه حل درستی نمی تواند موجود باشد. بدون اندیشه ی رهنما، آنچه موجودیت یا تظاهر می یابد رفرمیسم، رویونیسم، کوزموپولیتانیزم {=جهان-وطن گرایی بورژوایی} خواهد بود، و اینها مانع رها شدن رادیکالیزم بالقوه ی توده ها برای راه اندازی یک جنگ خلق پیروزمند، میگردند.

در همه کشورها، کمونیست ها باید تکامل جامعه را بدانند، و بدانند که کدامین جنبش های تاریخی در کشور های نیمه فئودال-نیمه مستعمره/مستعمره انقلاب دموکراتیک نوین و در کشور های کاپیتالیست-امپریالیست انقلاب سوسیالیستی را بوجود می آورند.

در همه کشورها، کمونیست ها باید حزب کمونیست را قوام بخشند، که بر مبنای مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم عمل کند، و باید اندیشه یی که از دل ضرورت تاریخی زمان بوجود آمده است را تعقیب کنند.

در همه کشورها، این جنگ خلق است که مسیر رهایی است!

این {جنگ خلق} مطابق با نیازمندی های زمان ما است. در حقیقت، سرمایه داری، در سبعانه ترین شکل خویش، در آخرین مرحله ی خویش، یک سیستم فرسوده، پرازیتی و محضرات است.

این سیستم سوای استعمار بیشتر، ستم بیشتر، بیعدالتی بیشتر، تخریب بیشتر طبیعت سیاره ی ما، و بجز فاشیسم و جنگ های امپریالیستی چیز دیگری بوجود آورده نمی تواند.

سرمایه داری دشمن ترقی، فرهنگ و دموکراسی بوده، و در مرحله ی امپریالیستی خویش، دشمن جانی تمام ارزش های پیشرو می باشد.

مبارزه به ضد فاشیسم، در برابر دیدگان تمام انقلابیون قرار دارد.

اما، برای دانستن، چیزی های دیگری هم هست. کاپیتالیسم با خویش خرواری از ایدئولوژی های ارتجاعی را سرازیر میسازد. این چنین ایدئولوژی ها تظاهر به "انقلابی" بودن میکنند، حال آنکه خصلتا ضد انقلابی میباشند. نظیر ناسیونال-سوسیالیسم، پیرونیسم، چاویسم، کاستریسم و غیره.

آنها {=ضد انقلابیون} وانمود میکنند که "ناسیونالیسم" و "سوسیالیسم" را ترکیب میکنند، اما در حقیقت، آنها مزدوران ارتجاعی ترین بخش بورژوازی کشور های امپریالیستی بوده، و چاکران بورژوازی بیروکرات در کشور های نیمه فئودال-نیمه مستعمره اند.

اینهمه کافی نیست. امپریالیسم همچنان میکوشد که زهر خویش را در صفوف انقلابیون اصیل نفوذ دهد. این زهر ها به اشکال مفاهیمی نظیر " موافقت نامه های صلح"، " انعطاف پذیری در استراتژی"، "پسامانویسم" و غیره فرا گفته میشود.

ما ارتدکسی مائوئیستی را اتخاذ کرده ایم، و گرایش های "مدرنیست" را مردود میدانیم، گرایش هایی که چیزی بیش از سبوتاژ و تخریبکاری های بورژوایی نیستند. ما میگوییم: همه ایدئولوژی های بورژوایی، تمام گرایش های راست روانه باید مردود دانسته شوند.

و الا، فرجام کار جز ناکامی نخواهد بود، چنانکه برخی از تشکلات که به دور خط سنتریستی حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا گرد آمده و خط آنرا تعقیب نموده اند، این ناکامی را شاهد بوده اند، و با نفی دور شدن هر چه بیشتر از تسلیم طلبی در نیپال، بر آن شده اند که زمینه ی نفوذ توهمات لیبرالی را و مفهوم و درک بورژواخانه از مائوئیسم و اینکه چه باید باشد را فراهم نمایند.

ما همچنان میگوییم: کاملاً بجا است که یک نقد ضد سنتریستی ارائه دهیم، اما بگونه ی دیالکتیکی باید بسوی تایید رهیافت های مائوئیستی روانه شد، و اصل "اندیشه ی راهنما" را باید اتخاذ کرد، زیرا که این اندیشه ی رهنما، تطبیق خلاق مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم عمدتاً مائوئیسم در شرایط خاص هر کشور است.

یک مبارزه ی دو خط حقیقی به ضد سنتریسم، یعنی مبارزه به ضد یک نسخه ی جدید رویزیونیسم "مائوئیستی"، ضرورت یک گسست حقیقی از نسبی گرایی را محتوم میدارد، تا باشد که به درستی مائوئیسم را به مثابه ی مرحله ی سوم در تکامل مارکسیسم در نظر داشته باشیم.

بسی نادرست خواهد بود اگر به نقد سنتریسم از منظر محدود به مفاهیمی که در مرحله ی دوم تکامل مارکسیسم یعنی لنینیسم حاصل آمده اند، رو آوریم.

لهدا، ما میگوییم:

در برابر آنانیکه در برابر آموزش صدر گونزالو قرار گرفته اند، در برابر تبلیغات شوم خط اپورتونیستی راست (پیرو) یعنی در برابر همه کسانی که به انحلال طلبی رو آورده اند، مبارزه کنید.

در برابر رویزیونیسم مسلحانه ی نیروهای نظیر خط اپورتونیستی "چپ" پیرو، مبارزه کنید!

در برابر "پسا-مائوئیسم" آواکیان و حزب کمونیست انقلابی، ایالات متحده ی آمریکا، مبارزه کنید!

در برابر سنتریسم حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا، قرار گرفته به ضد آن مبارزه کنید!

در برابر "ضد سنتریسم" کاذب به ویژه در آن مواردی که مائوئیسم را به مثابه ی مرحله ی سومین در تکامل مارکسیسم به رسمیت نمی شناسد مبارزه کنید!

**مائوئیسم را برگرفته، از آن دفاع کنید، و آنرا به کار بندید!**

**برای ایجاد و بکار بستن اندیشه ی رهنما در همه کشورها به منظور آغاز و پیشبرد جنگ خلق، مبارزه کنید!**

و طی این روند است که اتحاد نضج میگیرد، گام به گام، با حرکت بسوی مرام جهانی پرولتاریا: کمونیسم. ایجاد اندیشه ی رهنما { در هر کشور، فرا-نهادی جهت حصول شناخت متقابل تحت درفش جهانی مائوئیسم مییابد.

**جنگ خلق تا کمونیسم!**

**اول می، 2013 میلادی**

**حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائوئیست فرانسه**

**سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست-لنینیست=مائوئیست، عمدتاً مائوئیست)**

**مرکزیت مارکسیست-لنینیست-مائوئیست بلجیم**